



برنامه

داریوش فروهر

نامزد ریاست جمهوری اسلامی ایران

انقلاب جلوه خاصی از حرکت و تغییر است. حرکت و تغییر انقلابی بازگوکننده خواسته‌های عالی انسانی است. حرکت و تغییر انقلابی بیان‌کننده اندیشه و گرایش آدمی است به آفرینش ارزشهای نو. انقلاب آفریننده دگرگونیهای بنیادی است. دگرگونی در همه زمینه‌های زندگی. در جدول ارزشها، در اندیشه‌ها، در کردارها و در رابطه‌ها.

همراه با انقلاب و بر اثر انقلاب اندیشه‌ها و کردارها، ارزشهای کهن خود را از دست میدهند و ارزشهای نو بدست می‌آورند. انقلاب بر اثر برخورد عاملهای بازدارنده پیشرفت با گرایش انسانی به پیشرفت، پدید می‌آید، از این رو انقلاب در ذات خود نوعی حرکت به پیش را نهفته دارد. حرکت ترقیخواهانه‌ای که در بطن انقلاب نهفته است، در کیفیت دگرگون‌کننده انقلاب جلوه‌گر میشود. دگرگونی که بر اثر انقلاب پدید می‌آید، تنها توجه بفروریختن و از هم پاشیدن ندارد. انقلاب با شورش کور، که تنها درهم می‌شکند و ویران می‌سازد تفاوت دارد. دگرگونی انقلابی دارای دوجنبه جدائی‌ناپذیر است، یک جنبه آن در هم ریختن ساختمان پوسیده و ارزشهای کهن و جنبه دیگر برپاداشتن ساختمان تازه و ارزشهای نو بجای آن است.

حرکت و تغییر انقلابی در حقیقت باید سازنده ساختمان تازه و آفریننده ارزشهای نو باشد و چون ساختمان تازه میباید در قرارگاه ساختمان پوسیده استقرار یابد، از این رو از هم پاشیدن ساختمان قبلی اجتناب‌ناپذیر میشود. دگرگونی انقلابی بر این اساس بمعنای ایجاد ساختمان نو و ارزشهای نو و روابط نو است و ارج انقلاب هم‌درهمین بنیانگذاری ساختمان تازه و ارزشهای نو است. اگر انقلابی نتواند ساختمان تازه و ارزشهای نو ارائه نماید و اگر ظرفیت و قدرت انقلاب در حد شکستن و کوبیدن دچار توقف شود و اگر انقلاب نتواند الگوهای بدیع برای زندگی فردی و اجتماعی معرفی و مستقر کند دیگر نمی‌توان مجموعه کارهای انجام شده را انقلاب دانست.

برمجموعه کارهایی که در حد شکستن و کوبیدن توقف کرده‌است باید عصیان و شورش نام داد و نمی‌توان که نیروهای دگرگون‌ساز را در فضای تنگ عصیان با قیام به حبس افکند و خفه ساخت.

نیروی انقلابی نیروئی است صاحب اندیشه و صاحب اشتیاق و پیشنهادکننده یک الگوی خاص به قصد تامین زندگی بهتر و اگر اندیشه انقلاب یا کارسازان انقلاب در تاریخ بشر قدری دارند، ناشی از این اصل است.

ارج قدر انقلاب در قدرت ساختمانی آن است. ارزش انقلاب در تکانی است که به نیروهای روانی و فکری بخواب رفته جامعه میدهد و قدرتهای زاینده را از نهاد آدمی بیرون می‌کشد و به میدان کار و سازندگی میراند.

قضیلت انقلاب در همین نکته نهفته است. تقدس و احترام کلمه انقلاب ناشی از همین نیروی سازنده آن است. حرکت‌های تند و دگرگون‌کننده اگر هدف ساختمانی روشنی در پیش نهند دیگر انقلاب نام ندارد. تلاشی که تنها توان در هم شکستن دارد توفیق آنرا نمی‌یابد که زیرنام انقلاب قرار گیرد. نتیجه آنکه انقلاب عبارت است از فروافکندن بنیادها و نهادهای زشت و آفریدن بنیادها و نهادهای زیبا.

استقرار ساختمان تازه به جای ساختمان کهنه نه تنها یکی از شرایط ذاتی و تشکیل دهنده انقلاب میباشد که یکی از اساسی‌ترین وثیقه‌های پیروزی انقلاب هم هست. تلاش انقلابی اگر روبسوی هدف سازنده روشنی نداشته‌باشد، صرفنظر از آنکه انقلاب نام نمی‌گیرد به پیروزی هم نخواهد رسید.

اگر تلاش تنها در جهت از هم گسستن و در هم شکستن باشد، فصل مشترک و شیرازه ربط دهنده عناصر انقلاب همین ویرانگری خواهد ماند و بعد از ویران‌سازی، دیگر موجبی برای وحدت عمل باقی نخواهد ماند و عاملهای انقلاب به از هم پاشیدگی و پراکندگی دچار میشوند و اگر هم به پاشیدگی و پراکندگی دچار نشوند در انبوهی از ویرانه‌ها و دشواریها سرگردان خواهند ماند. پس عزیمت انقلابی به معنای ارائه ویژگیهای ساختمان و ارزشهایی است که باید پی‌افکننده شود.

- استقلال و ناوابستگی
- گسترش آزادیهای فردی و اجتماعی
- همبستگی ملی
- عدالت برای هر ایرانی در همه زمینه‌ها
- نظم و کار برای پیشرفت

در پی ریزی و بنای ساختمان تازه بهره‌گیری از نیروهای آفریننده و پرتوان ناگزیر است. انقلاب پدیدآورنده این نیرو است. انقلاب شور و هیجان و اشتیاق به کار زاینده را در نهاد نسل حاضر بیدار میکند و بر میانگیزد و آنان را آماده کار و تلاش میسازد. بر نظام اداره‌کننده انقلاب است که این شور و هیجان و اشتیاق را سامان و سازمان بخشد و از آن در کار ساختمان انقلابی مدد گیرد. انقلاب برای انبوه عظیم مردم ناکام که رنج ناکامی، روان آنها را بستوه آورده و پژمرده است اثری تسکین‌دهنده و امیدآفرین دارد. مردمی که در نبرد زندگی در زیرضربه‌های نظام ستم، طعم تلخ شکست را در جان خود چشیده‌اند از ظنن انقلاب تسلی می‌پذیرند و امیدهای مرده‌آنان دوباره جان می‌گیرد. انبوه بزرگ مردم راه گم کرده و ناامید، در موجهای نشاط آفرین انقلاب نقشی از آینده بهتر می‌بینند. امیدهای انقلاب چین اندوه را از پیشانی مردم ناکام و بی‌امید باز میکند و در قلبهای آنان اشتیاق کامروائی و نور امید می‌تاباند و بر روان و تن آنان شور کار و تکاپو می‌پاشد و بدینسان نیروهای بخواب رفته فکری و عاطفی ایشان بیدار می‌شود و ثمرها می‌آفریند، بشرط آنکه نظام اداره‌کننده انقلاب قادر باشد این نیروهای بیکران آزاد شده را سازمان و سامان بخشد. اگر نظام اداره‌کننده انقلاب نتواند نیروهای دگرگون‌ساز را درست سازمان بدهد، ناگزیر در آشفستگیها سرگردان میمانند و شاید هم ویران‌سازی را کار و هدف اصلی خود قرار دهند.

یکی دیگر از رسالتهای انقلاب آن است که مردم بهره‌مند از نظام گذشته را به دو صف تقسیم می‌کند، یکی صف آنان که کارآمد و صاحب توانائیهای سازنده‌اند و از این رهگذر به توفیق رسیده‌اند، این گروه نباید از انقلاب بهراسند و نمی‌هراسند. اینان را باید بسوی این باور گسیل داشت که میتوانند با پذیرش جدول ارزشهای نو در پی ریزی ساختمان تازه سهمی و نقشی داشته باشند. این گروه شاید در آغاز انقلاب بدور یا حتی در نهان روبروی آن بایستند، ولی نظام اداره‌کننده انقلاب باید با درپیش گرفتن روشهای سنجیده، اندیشه آنان را بسوی انقلاب و سازندگی انقلابی گرایش دهد، آگاهشان سازد که پدیدآمدن ارزشهای نو به معنای فزونی آنان نیست، بلکه برعکس به معنای بازتر کردن میدان ابتکار و عمل است و آنان هم در این میدان پهناور می‌توانند دستی و سهمی شایسته داشته باشند.

دوران سازندگی انقلاب فرصتها پدید می‌آورد که همه مردم بتوانند بدور از ناستودگیها استعداد و توانائی خویش را به آزمایش و عرضه بگذارند. صف دیگر مردم بهره‌ور از نظام گذشته، آنانند که بیاری بستگیهای خاص و زشتکاریها بتوفیق رسیده‌اند و ناگزیر از هر تغییری در هراسانند. این گروه اصلی‌ترین مانع حرکت و پیشرفت است و پیروزی انقلاب در گرو خارج کردن این عده از صحنه زندگی اجتماعی میباشد. شمار این گروه اندک است و توانائیهای آنان ناچیز و بدور افکندن آنان در قدرت سازندگی کشور ضایعه یا فاجعه و یا حتی سبب اندوه و تحسر نخواهد بود.

انقلاب اسلامی ملت ایران همه این زمینهها را فراهم آورد، انقلاب اسلامی ملت ایران نیروهای فکری و سازنده جامعه ما را از حالت رخوت و سکون خارج کرد، انقلاب اسلامی ملت ایران تبلور و برآیند سالیان دراز کوشش مردم ایران برای درهم شکستن سلطه استبداد و وابسته به بیگانه میباشد، انقلاب اسلامی ملت ایران جوش و شور و هیجان در نسل حاضر فرو افکنده است، انقلاب اسلامی ملت ایران همه قید و بندهای خفقان‌انگیز را از فکر و بازوان مردان و زنان این سرزمین گشوده و آنان را آماده کار و سازندگی کرده است، انقلاب اسلامی ملت ایران قدرتهای شگرف و کارساز مردم این سرزمین را آشکار ساخت تا آنجا که آوازه آن در همه جهان و در همه تاریخ ظنن‌افکنند. من در همه پرسى دهم و یازدهم فروردین ماه با اعتقاد کامل به اینکه.

جمهوری اسلامی " ظرفیت کافی برای پذیرش مفاهیم سالم و انسانی " آزادی " دارد و میتواند ارائه‌دهنده نوع بالنده و پیش‌رونده‌یی از احساس آزاد یخواهی همه‌گروه‌های اجتماعی و حتی افراد جامعه‌ی ما باشد. توانائی آنرا دارد که حامل مجموعه‌ی بزرگی از نیازهای ملت ایران باشد.

قادر است که اندیشه‌های سازنده، اخلاقی و ترقیخواهانه را محدود و محصور نسازد و در حمایت از منافع زنان و مردان اهل اندیشه و عمل پا بمیدان بگذارد. قدرت آنرا دارد که بنیاد روابط اجتماعی و اقتصادی جامعه را براساسی دگرگون کند و نظم عادلانه‌یی را جایگزین شیوه‌های استعماری سازد.

تنها نوع حکومتی است که میتواند در برگیرنده‌ی بیشترین بخش از درخواست‌های تاریخی ایرانیان باشد به استقرار آن رای دادم.

اما کار سامان بخشیدن و سازمان دادن نیروهای آزاد شده، تجهیز و بسیج آنان در راه سازندگی، که شرط اجتناب‌ناپذیر پیروزی انقلاب است با درخشندگی صورت نگرفت. در ستیزه با نظام کهن چالاک و دلیر بودیم ولی در پی ریزی ساختمان تازه و در استقرار ارزشهای نو توانائی کافی نشان ندادیم.

وازه‌مین روز فردای انقلاب پراکندگی نیروها پدید آمد. گروهی در نابسامانیهای انقلاب سرگردان ماندند، گروهی بدنیای رنج‌آور ناامیدی و بی‌حرکتی خود بازگشتند و گروه دیگری که از انقلاب زیان دیده بودند در برابر آن قرار گرفتند و دشمن بداندیش هم در این میان بیکار نماند و تا آنجا که میتواند بذر ناامیدی و تفرقه پراکند.

آگاه و هوشیار باشیم و به بیراهه یا راه کج گام ننهیم. حقیقت‌ها را عریان با ملت خود در میان گذاریم. راست است که دشمن برای درهم شکستن انقلاب ما بسیار تلاش کرده است و می‌کند ولی سستی و سهل‌انگاری و بیخبری دست‌اندرکاران حکومت و کوتاه‌فکری بسیاری از آنان بوده است که در دوران سازندگی زمینه مساعد برای بدخواهی‌های دشمن فراهم آورد.

و این تنها رهبری هشیارانه امام خمینی و تصمیم‌گیریهای سریع و قاطع ایشان بود که از کج‌رویها و پاشیدگیهای بیشتر جلوگیری کرد. اینک در این مرحله از کار و ساختمان انقلابی باید با هشیاری و آگاهی غفلت‌های گذشته را جبران کنیم و با شجاعت و کاردانی در بازسازی کشور بکوشیم. باید ایدئولوژی انقلابی خود را در قالب نظام سازمانی درخوری درج کنیم. باید ایدئولوژی انقلابی خود را در جریان حیات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور جا دهیم. و نباید فقط بشرح ومدح ایدئولوژی انقلابی خود بسنده کنیم. ایدئولوژی انقلابی کفایت نمی‌کند. باید سازمان اجراکننده این ایدئولوژی طرح‌ریزی شود. انقلاب از این پس بدون سازمان مناسب و متحرک پیش نخواهد رفت. سازمان حامل ایدئولوژی انقلابی براساس تصادف پدید نمی‌آید، باید قدرت زاینده رزمندگان اندیشمند در خلق چنین سازمانی بکار گرفته شود. باید در نظام سیاسی حکومت تغییر اساسی پدید آید. در پدیدآوردن این تغییر سستی شده است. باید نظم اجتماعی دوباره قالب‌گیری شود، از قالب‌گیری دوباره این نظم غفلت شده است، باید سازمان اداری کشور از حداکثر کارآئی برخوردار شود، در ایجاد این کارآئی سهل‌انگاری شده است.

باید به نیروهای انقلابی میدان و فرصت داده شود تا فشار خود را برای اجرای عملی ایدئولوژی انقلابی ادامه دهند. چنین فرصتی به نیروهای انقلابی داده نشد و نیروهای انقلاب به درگیریهای بی‌حاصل و غیرلازم کشانیده شدند. اینک برماست که میدان تفکر و عمل انقلابی را باز هم گشاده‌تر سازیم و مرزهای کنونی اندیشه و عمل را در نوردیم. من بر آنم که تا با برهم شکستن باقیمانده محافظه‌کاریها از یکسو و از میان بردن هرج و مرجعها و پایان دادن بکار نهادهای دخالت‌گر انقلابی نما از سوی دیگر و استقرار یک نظم انقلابی همه قدرت ملی را در ترسیم آینده تابناک ایران بکار گیرم.

پدیدآوردن تغییر اساسی و سریع در نظام سیاسی، قالب‌گیری دوباره نظم اجتماعی حکومت و سامان بخشیدن به قدرت سازنده انقلابی ناگزیر باید در عبارتهای روشن و نشان دهنده بیان شود.

من خطوط اصلی برنامه خود را برای اداره کشور که بر بنیادهای فکری ملت‌گرایانه

اساس جمهوری اسلامی ایران بنا شده است بدین شرح اعلام میدارم .
 - فراهم داشتن استقلال کامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و تمامیت ارضی کشور و برکنار داشتن آن از هرگزند ، اصلیتین خواست من است .
 - باور من آن است که کشور از هر نوع وابستگی باید رها گردد و هیچ بهانه‌ای نباید این اصل را خدشه‌دار سازد .
 - سلطه بیگانگان بر ایران را نمی‌پذیرم و با همه نیرو خواهم کوشید که هیچ بیگانه‌ای به هیچ روی ، هیچ نوع سلطه‌ای بر ایران نیابد و در این رهگذر از پایمردی ملت ایران مدد خواهم گرفت .
 - استقلال ملی ایران زمانی از تامین کافی برخوردار است که نظام سلطه از سراسر گیتی برچیده شود . از این رو هرگونه استعمار را در هر گوشه جهان دشمن میدارم و در نبرد با امپریالیست‌ها از همه توانائیهای میهنی بهره خواهم گرفت و نهضت‌های رهایی بخش را در سراسر جهان بویژه در سرزمینهای اسلامی پشتیبانی خواهم کرد .
 - آزادیهای فردی و اجتماعی را گرامی خواهم داشت و درگسترش آن خواهم کوشید .
 - حزبها و سازمانهای سیاسی در چهارچوب سود و سربلندی ایران که خواست همگانی است ، با هراندیشه آزاد خواهند بود و هیچ حصر قانونی و عملی بر آنها روا نمی‌دانم و آزادی گفتار و نوشتار را در گسترده‌ترین بعد تامین خواهم کرد .
 - برابری کامل زنان و مردان را در بر خورداری از حقوق سیاسی و اجتماعی و همسانی آنانرا در پیشگاه قانون تامین خواهم کرد .
 - هرگونه ستم سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و مذهبی را از قومهای ایران در سرزمین‌های خود در چهارچوب همبستگی ملی و تمامیت ارضی از میان بر می‌دارم و به هر یک از استانهای کشور حق خودگردانی خواهم داد .
 - در تقسیم بندی اداری کشور با توجه به ویژگیهای فرهنگی ، مذهبی ، جغرافیایی و انباشتگی جمعیت و خواست مردم تجدیدنظر خواهم کرد و بر واحدهای اداری کشور از ده تا استان نظام شورائی را حاکم خواهم گرداند .
 - اقلیت‌های مذهبی به گونه‌ی هر ایرانی دیگر از حقوق اساسی و لازم برخوردار خواهند بود .
 - ارزشهای انسانی را که از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران است گرامی خواهم داشت و میکوشم تا نیروهای انقلابی ایران قدرت شگرف خود را فزونی بخشند و این قدرت را در قالب نظام سازمانی پویا در خدمت سازندگی ایران در آورند .
 - در نیل به هدفها از شیوه‌ها و وسیله‌های اخلاقی بهره خواهم گرفت و برای تحقق هر هدفی شیوه و وسیله درست و انسانی جستجو خواهم کرد .
 - همه مفهومیهای اسارت‌آور بازمانده از نظام گذشته را از میان برخواهم داشت و برای رشد نیروهای انقلابی و اخلاق انقلابی زمینه‌های مساعد فراهم خواهم آورد .
 - جهل و خشونت را از پاسداری نظام سیاسی حکومت حذف می‌کنم و به جای آن آگاهی و افتخار سازندگی انقلابی را می‌نشانم .
 - در میان انسانها با یکدیگر و میان انسانها و جامعه رابطه‌ای از نو بنیان می‌گذارم و کل رابطه‌های اجتماعی گذشته را که از ستم مایه می‌گرفت نابود می‌سازم . با شناخت ارزش کار و افتخار کار ، روابط فردی و اجتماعی دگرگون خواهد شد و نظم انقلابی آغشته به حماسه سازندگی بر مناسبات مردم با یکدیگر حاکم خواهد آمد .
 - نظام سرمایه ، ویرانگر ، بی‌منطق و ضد انسانی است . هدف این نظام تولید کالا و فروخوراندن آن در هاضمه ملت‌ها است . این نظام را ویران می‌سازم و به جای آن نظام کار را استقرار میدهم ، در نظام کار ، گرایش به ثروت به عنوان یکی از مظاهر حیثیت اجتماعی و شخصیت فردی از میان میرود و انگیزه سود جای خود را به انگیزه افتخار می‌دهد .
 - اقتصاد کشور را بر اساس برنامه به حرکت درخواهم آورد . نیروهای کور برای پیشبرد اقتصاد ملی کفایت نمی‌کند . " سرنوشت رشد اقتصاد کشور در اختیار قدرت بی‌منطق نیروهای غیر معین اقتصادی قرار نخواهد گرفت .
 - ابتکارهای فردی در چهارچوب برنامه پیشرفت اقتصاد ملی بحساب می‌آید و برای آن جای شایسته در نظر گرفته میشود و تلاشهای فردی در بیراهه‌های اقتصادی سرگردان

خواهد ماند .

- ثروتهای زیرزمینی و منابع طبیعی کشور وثیقه پیشرفت اقتصاد ملی خواهد بود و هرگز فراموش نمی‌کنم همه آنها نه تنها به نسل حاضر بلکه به نسلهای آینده ملت ایران نیز تعلق دارد .
 - کشاورزی ایران راهمپای صنعت حرکت خواهد داد . دانش و فن متناسب را به روستا خواهم برد و روستاهای کوچک را چنان به هم پیوند خواهم زد تا به هر روستا ابزار کار مناسب برسد و روستائیان در جریان حیات سیاسی شرکت کنند و از فرهنگ ملی بهره‌ور شوند ، دورماندگی و بی‌اثری روستائی از فرهنگ ملی و حیات سیاسی پایان خواهد گرفت .
 - برای همه روستاها وسائل کاشت و داشت و برداشت فراهم خواهم کرد .
 - به صنعت سنگین نیاز وافر داریم ، صنایع سنگین را زمینه رشد صنایع مصرفی خواهم ساخت .
 - بازرگانی داخلی را بر صنعت ایران گشاده خواهم داشت صنایع ایران را چنان خواهم ساخت که زمینه آبادی روستا را فراهم سازد و نیاز شهرنشینان را برآورد .
 - خواهم کوشید تا آنجا که ممکن باشد از صدور هر ماده خام بخصوص نفت خام به خارج خودداری شود . ماده خامی که از زمین ایران به دست می‌آید منبع اشتغال مردم ایران است . فرستادن هر ماده خام به خارج ضربه‌ای است بر نیروی کار و قدرت آفرینش ملت ایران و تا آنجا که بتوانم از آن پرهیز خواهم کرد ، برای آنکه در آینده هرگز این کار صورت نگیرد زمینه مناسب صنعتی و علمی آماده می‌سازم .
 - منابع طبیعی کشور ما (زمین ، آب ، جنگل ، مرتع و معدن) به شکلی رسوا ، بی‌حاصل یا کم حاصل مانده است . بر این مشکل غلبه خواهم کرد و موحبات بهره‌گیری از همه این منابع را به سرعت فراهم می‌آورم .
 - سرمایه‌های ملی ما به نحو فزاینده باری را کد مانده است . همه آنها را به کار خواهم گرفت و در اجرای این هدف شرایط مساعد و مناسب مهیا خواهم داشت .
 - نیروی کار ما به بیکاری پنهان و آشکار دردناکی دچار آمده است ، زمینه‌های فراهم خواهم آورد که هر ایرانی اشتغال ثمربخش بیابد .
 - بازرگانی خارجی را ملی خواهم کرد و بازرگانی داخلی ایران را در خدمت رشد سریع اقتصادی و اشتغال در می‌آورم .
 - شبکه راههای کشور نظام واقعی خواهد یافت . راهها با ظرفیت و کشش اقتصادی مناسب ساخته خواهد شد ، نه آنکه برای جابجائی کالاهای وارداتی از دروازه ورود تا بازار مصرف باشد .
 - آموزش را از تنگنای کنونی رها خواهم کرد و با ملی کردن آموزش کشور رشد آزاد استعداد و شخصیت فردی و اجتماعی فرزندان ایران را تضمین می‌کنم .
 - آموزش عالی بر همه استعدادها گشاده خواهد شد . هر ایرانی فرصت خواهد یافت تا همه نیروهای زاینده خود را در متن آموزشی انسانی و سازنده پرورش دهد .
 - آموزش در همه سطوح ورشته‌ها به مثابه زمینه‌ای برای کسب تخصص و اعتلای شخصیت فردی و ادراک وجدان ملی گسترشی چشمگیر خواهد یافت . جوانان ما در حسرت آموزشی بیشتر نخواهند سوخت .
 - دختران در بهره‌گیری از آموزش برابر با پسران خواهند بود و هیچ حدی در برابر رشد استعداد و شخصیت آنان فراهم نخواهم آورد .
 - اصلی‌ترین جلوه آزادی زنان را که توسعه آموزش و تامین اشتغال برای آنان تا بالاترین پایگاههای سیاسی و اداری کشور است فراهم خواهم ساخت .
 - نظام اداری کشور به صورت میدانی برای رشد استعدادها و توانائیها در خواهد آمد . هر وسیله جز استعداد و کارائی فردی در پیمودن راه رشد در دستگاه اداری از میان خواهد رفت .
 - ماشین سنگین و خردکننده‌ی اداری را در جهت اجرای برنامه‌های پیشرفت ملی به چرخش در می‌آورم و تحرک و قابلیت انعطاف به آن می‌بخشم .
 - از درهم شکستن اعتبار اجتماعی و سابقه کارکنان اداری چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی با قدرت جلوگیری خواهم کرد . امنیت شغلی به گونه‌ی یک اصل اساسی در

سرتاسر نظام اداری کشور تثبیت خواهد شد .

— در اجرای اصل همبستگی ملی ، فرزندان ایران را آموزش و پرورش عاطفی خواهم داد تا نیروهای جسمی و فکری خود را در خدمت ایران قرار دهند و از هر کینه‌جویی و تفرقه‌انگیزی پرهیز خواهم کرد .

— در اجرای اصل همبستگی ملی ، نظام تصمیم‌گیری را در فضای کار و فضای سیاست دگرگون خواهم ساخت و آن را انسانی ، کارآمد ، آسان و اجتماعی خواهم کرد .

— در اجرای اصل همبستگی ملی ، به کار گروهی شکل و روانی دیگر خواهم داد ، بدانسان که کار گروهی سرچشمه نشاط باشد نه پدیدآورنده رنج و برخورد .

— در اجرای اصل همبستگی ملی ، برای تنظیم روابط کار بنحوصحیحی کوشش خواهم کرد تا با نظم و کار بیشتر بر میزان تولید افزوده گردد .

— در اجرای اصل همبستگی ملی ، روح تعاون و همگامی را در متن نظام اجتماعی هر چه بیشتر پرورش خواهم داد .

— در اجرای اصل همبستگی ملی ، بنیاد خانواده‌ها را استوار خواهم کرد . قواعدتامین اجتماعی را چنان فراهم خواهم داشت که نگرانی معاش و هراس فردا از همه خانواده‌ها ریشه‌کن شود .

— در اجرای اصل همبستگی ملی ، مردم را از هر آنچه در کشور برگذرد آگاه میکنم و وجدان ملی را بیدار و در کار نگاه خواهم داشت .

— در اجرای اصل همبستگی ملی ، برنامه پیشرفت اقتصادی را چنان ترتیب میدهم که رفاه نسل حاضر با ترقی کشور و آسایش نسل آینده ترکیب شود . هیچیک را فدای دیگری نخواهم کرد . و به خوبی بر این حقیقت واقفم که سرنوشت نسل‌های آینده در گرو تلاش و تدبیر امروز ماست .

— در حفظ و گسترش فرهنگ ایران که از آموزشهای والای اسلامی مایه گرفته است خواهم کوشید و از دانش و فن کشورهای پیشرفته برای باروری آن بهره خواهم گرفت .

— ارج هنر و ارج هنرمند را میخواهم که با تازمانه انتقاد خویش هنرنازایی و هرکج‌روی را با صدای بلند اعلام دارد . هنر را هرگز در تزئین اندیشه‌ها یا دستاوردهای خود به خدمت نخواهم خواند ، بگذار هنرمندان ما با قریحه تابناک خود بر راه آینده ایران پرتو افکنند و فرزندان ایران را در مسیر اعتلای شخصیت و حیثیت خود رهنمون باشند .

— هنر انقلابی و هنرمندان انقلابی را ستایش میکنم و همه موجبات پرورش قدرت و آفرینش هنری آنان را فراهم میکنم .

— هنر ایران را که از افتخارات جاودانی فرهنگ بشری است در همه جهان معرفی خواهم کرد تا هنرمندان در بلندتر کردن نام و آوازه ایران باز هم ارمغانها نثار کنند .

— راه‌آوردهای فرهنگ استعماری را که چون کابوسی بر فرهنگ خودی سنگینی میکند یکسره بدور خواهم افکند تا فرهنگ ملی با همه جلوه‌های گوناگون قومی و بنیادهای انسانی و اسلامی و سازنده و اعتراض‌کننده آن جای خود را باز یابد .

— نظام قضائی را در مسیر اجرای عدالت همراه با آموزش و مهربانی قرار خواهم داد . نظام قضائی منبع کینه‌جوئی و انتقام‌گیری نخواهد بود . این نظام یکی از اساسی‌ترین وسایل پرورش خواهد شد .

— پدیدآوردن سرعت در کنار دقت برای اجرای عدالت از اساسی‌ترین خواسته‌هایم در بازسازی نظام قضائی کشور است .

— حرمت و حیثیت دادرسان را در پیش چشم خواهم داشت و تا هر جا که میسر باشد بر آن خواهم افزود .

— زمینه رشد علمی نظام قضائی را فراهم میکنم و آنرا از تنگنای خفقان‌انگیزی که دچار شده است رها میکنم .

— مفهوم عدالت گسترده میشود و همه زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد .

— ورزش یکی از ضرورت‌های رشد فردی و فرهنگی است ، در توسعه آن هر کوشش لازم به کار خواهم بست .

— خدمات شهری مناسب برای همه شهرها فراهم میکنم تا شهروندان در آسایش بسر برند .

— خدمات لازم را به روستا خواهم رساند تا روستایان در زادگاه خود احساس آسایش کنند .

— در هم ریختن زندگی ایلی را در ساخت اجتماعی ایران از راه اسکان تحمیلی نمی‌پذیرم و موجبات رفاه پیشرفت را همراه ایل به هنگام کوچ روانه میکنم .

— سفر را به‌گونه‌ای یک ضرورت‌زمان و به‌عنوان یک وسیله رشد آگاهی و گسترش فرهنگ در اختیار همگان قرار خواهم داد . سفر کالای زینتی خاص ثروتمندان نخواهد ماند .

— بیمه‌های ملی را بدانسان گسترش میدهم که همه زمینه‌های زندگی از گهواره تا گور را در بر بگیرد و نگرانی را از ذهنها و قلبهای مردم بزداید .

— به‌مشکل مسکن توجه خاص خواهم داشت و ترتیبی مهیا میسازم که هر خانواده ایرانی صاحب خانه خود باشد .

— در تامین بهداشت و سالم‌سازی محیط و برکنار داشتن آن از هرگونه آلودگی کوشش فراوان خواهم کرد .

— موجبات بهره‌مندی همگان از بهداشت و درمان ملی را فراهم میکنم و بیماری و مرگهای زودرس را از شهر و روستا به یکسان خواهم راند .

— ارتش با بافت ملی نوسازی میشود و از اعتماد و احترام همگانی برخوردار میگردد و با بهره‌گیری از دانش و ابزار نو تجهیز میشود و قدرت می‌یابد . در اعتلای حیثیت سربازی می‌کوشیم ، تا نگاهی توانا برای استقلال و تمامیت کشور و پاسداری مرزها باشد .

— نیروهای انتظامی به‌مفهوم واقعی وظیفه فرد آشنا خواهند شد و آموزشهای انسانی و اخلاقی دریافت خواهند داشت و قدرت خواهند یافت تا امنیت داخلی را آگاهانه پاسداری کنند .

* * *

دوران تازه‌ای در تاریخ ایران آغاز میشود . ارج این دوران را می‌شناسم و سنگینی مسئولیتی را که در برابر تاریخ برعهده می‌گیرم نیز می‌شناسم . همه توانائیهای خود و همه مردم ایران را در ساختن دورانی افتخارآمیز به کار خواهم گرفت .

تاریخ نو را چنان آغاز خواهم کرد که بر ارج انقلاب و بر ارج ایران و بر ارج نسل حاضر ایران افزوده گردد . در تاریخ نو ، سرنوشت ملت را با بهره‌گیری از وجدان و آگاهی ملی و رهنمودهای اسلامی خواهم ساخت . سرنوشتی جز سرنوشت ایران نداشته‌ام و ندارم .

در همه روزهای تیره همراه ملت بزرگ ایران بوده‌ام . در فردا نیز چنین خواهم بود . هرگز از اعتراض و انتقاد سر نخواهم پیچید . اعتراض و انتقاد را در استوارتر کردن دوران نو

تاریخ ایران صاحب‌رسالت می‌شناسم . اعتراض و انتقاد در بارور کردن نظام اداری و سیاسی

نقشی افتخارآمیز دارد . اجرای این خواسته‌ها صمیمیت در اعتقاد و شجاعت در تصمیم‌گیری ام

تضمین می‌کند و اشتیاق مردم ایران به نگاهداری نظم و توانائی‌های ایشان در کار و تلاش ،

وسایل اجرای آن را فراهم خواهد داشت و قدرت‌های خلاقه ملت ایران در قالب نظم و کار جلوه‌می‌کند و در پرتو انقلاب اسلامی ملت ایران میهن کهنسال ما را با جدول ارزشهای نو بازسازی خواهد کرد .